

نشریه ادبیات تطبیقی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۶، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳
(علمی - پژوهشی)*

بازتاب نابرابری اجتماعی و شکاف طبقاتی در دو رمان "همسایه‌ها" احمد محمود و "عمارت یعقوبیان" علا اسوانی

مینا عابدینی
دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان
فریده امیری دهنویی
دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان
دکتر احمدرضا صاعدی
استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان
دکتر حمید احمدیان
استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان
دکتر مسعود کیانپور
استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

چکیده

یکی از موضوعات مهم جامعه‌شناسی که در کانون توجه نویسندگان و منتقدان ادبیات فارسی و عربی قرار داشته است، مسأله نابرابری اجتماعی و افزایش شکاف طبقاتی است تا جایی که این دو اصطلاح در ادبیات داستانی و به ویژه رمان‌های معاصر، نمود

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۲/۳۱
m.abedini143@yahoo.com

amirifarideh19@yahoo.com
ahmadreza_saedi@yahoo.com
ahmadian1776@yahoo.com
masoudkianpor@gmail.com

*تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۱۲
نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

چشمگیری از خود نشان داده اند. از جمله این رمان‌ها، می‌توان به "همسایه‌ها" نوشته احمد محمود، داستان نویس معاصر کشورمان و "عمارت یعقوبیان" اثر علا الاسوانی نویسنده و منتقد مصری، اشاره نمود. در هر یک از این دو اثر، به عنوان آثاری از تحولات دوره گذار، نویسنده در قالب زندگی افراد یک ساختمان، ابعاد واقع‌گرایانه طبقات اجتماعی را در اثر نابسامانی‌های اجتماعی و تضادهای فرهنگی موجود به تصویر کشیده است. از این رو، در هر دو اثر همسان اندیشی‌ها و شباهت‌های یکسانی در مورد اختلافات قشری دیده می‌شود که این نوشتار در چارچوب ادبیات تطبیقی، به تحلیل نگرش دو نویسنده درباره این نابرابری‌ها پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: همسایه‌ها، احمد محمود، عمارت یعقوبیان، علا اسوانی، نابرابری اجتماعی، شکاف طبقاتی.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

نابرابری اجتماعی به موقعیت‌های نابرابر افراد اشاره دارد که می‌تواند از افزایش شکاف طبقاتی منتج شود و انواع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جنسیتی، شغلی، آموزشی و... را شامل شود. نابرابری اجتماعی، بنیاد‌های متعددی دارد که بنابر نظر عدّه‌ای از محققان، بنیان‌های اصلی آن مبتنی بر تفاوت‌هایی است که جامعه در رفتار و برخورد با افراد بین آن-ها قایل می‌شود. علت این تبعیض مشخصه‌هایی همچون طبقه اجتماعی، اقتصادی، نژاد، قومیت، جنسیت و دین است که به طریق اجتماعی تعریف شده‌اند. از آنجا که شکاف طبقاتی اساسی‌ترین نوع این نابرابری را منتج می‌شود؛ لذا از اهمیت بسیاری برخوردار است. اما نابرابری اجتماعی ضرورتاً طبقاتی نیست، مثل: اختلاف دستمزد بین یک کارگر متخصص و ساده (که در یک طبقه هستند)، این اختلاف دستمزد باعث نمی‌شود که این دو در دو طبقه مختلف قرار گیرند، بلکه این دو نفر از نظر نابرابری اجتماعی تقسیم بندی می‌شوند. نابرابری طبقاتی، نابرابری‌ای است که ریشه در ساختار زندگی اقتصادی

دارد و به عملکرد متفاوت اقتصادی مربوط می شود و از راه نهادهای اساسی اجتماعی و قانونی هر دوره تداوم یافته و تشدید می شود (کمالی، ۱۳۷۹: ۱۳۰-۳۳۷).

درباره موضوع نابرابری ها نظریه های گوناگونی بیان شده که نشان دهنده جهانی بودن این مسأله است. این نظریات چنین القا می کنند که در ساختار اجتماعی ویژگی های عمومی وجود دارند که منشأ این نابرابری می باشند. از سوی دیگر، گوناگونی صورت، کارکرد و میدان عمل نابرابری آن قدر زیاد است که می توان نتیجه گرفت این ویژگی ها یک شکل نیستند. لذا، می توان تصور کرد که جوامع انسانی بر روی مدار فرضی ای قرار گرفته اند که در یک طرف آن برابری کامل و در طرف دیگر، نابرابری کامل وجود دارد. پس چنین موقعیتی ایجاب می کند که پژوهشگر اجتماعی وضعیت هایی را تحلیل کند که در آن، صورت های مختلف نابرابری به وجود می آید و همچنین، برعهده اوست که پیامدهای این نابرابری ها را در جامعه هایی که دستخوش آن هستند، نشان دهد (تامین، ۱۳۸۸: ۱۱).

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

از آنجایی که اوضاع اجتماعی و نحوه زندگی افراد به طور مستقیم و غیرمستقیم در آثار ادبی تاثیر می گذارد، بی تردید مسأله نابرابری اجتماعی و خصوصاً نابرابری های طبقاتی در آثار نویسندگان متجلی است و در حیطه ادبیات، رمان بیشتر از هر اثر ادبی ای توانسته است پیامدهای نابرابری را در خود بازتاب دهد.

با ذکر این نکته و همچنین، بیان سابقه جهانی بودن مسأله نابرابری طبقاتی، دو رمان "عمارت یعقوبیان" و "همسایه ها" به عنوان آثاری برجسته از ادبیات معاصر ایران و مصر در حیطه رئالیسم اجتماعی و به نوعی ادبیات اقلیمی، برای این پژوهش انتخاب شده اند. نویسندگان این دو اثر، توجه اصلی خود را به رویارویی های طبقاتی معطوف و منحصر نساخته اند؛ بلکه نابرابری میان گروه ها و صاحبان منافع را در قالب واقعیت های زندگی

منعکس کرده اند و بیشتر درصدد نشان دادن جلوه هایی از این نابرابری بوده اند. به همین سبب، این پژوهش سعی دارد در روند خود پاسخگویی پرسش های زیر باشد:

- نویسندگان مذکور چگونه نابرابری های اجتماعی را در جوامع خود به تصویر کشیده اند؟

- مؤلفه ها و نشانه های نابرابری اجتماعی و طبقاتی در دو اثر چیست؟

- پیامدهای منتج نابرابری تحت چه موضوعاتی وجود دارد؟

- آیا دو نویسنده برای برون رفت از این نابرابری ها و پیامدهای آن راه حلی ارائه کرده اند؟

۱-۳- پیشینه تحقیق

کار مفهوم پردازی و ارائه تعاریف گوناگون از جامعه شناسی طبقات و نابرابری های اجتماعی مرتبط با طبقات، امری پایان یافته نیست. هرچند در زمینه مسأله نابرابری های اجتماعی و جامعه شناسی قشرها و طبقات، دستاوردهای قابل تحسینی به عمل آمده است و همچنین، در حیطه این دو رمان منتخب مطالعات بسیاری در زمینه نقد اجتماعی به طور جداگانه انجام گرفته که طبق گواهی مهمترین مراکز اطلاعاتی می توان به «ترجمه، نقد و بررسی رمان "عمارت یعقوبیان"»، پایان نامه کارشناسی ارشد شیما صابری (دانشگاه تهران، ۱۳۸۷) و کتاب «نقد رمان همسایه ها» نوشته فیروز زنوزی جلالی که به تازگی چاپ شده و همچنین، مقالات دیگری که در این زمینه نوشته شده است، اشاره نمود؛ اما آنچه مشخص است، در زمینه بررسی مسأله نابرابری اجتماعی و طبقاتی، خصوصاً به صورت تطبیقی، پژوهشی در دست نیست و نوشتار حاضر سعی دارد تا این موضوع را از منظر نقد جامعه شناختی و به شیوه تطبیق در این دو رمان که بازتاب فکری دو ادیب مصری و ایرانی است، مورد بررسی قرار دهد.

۲- بحث

۲-۱- خلاصه رمان "همسایه ها" و زندگی نویسنده

احمد اعطاء (محمود) با داشتن بیش از چهل سال فعالیت ادبی و خلق پانزده اثر اعم از مجموعه داستان‌های کوتاه و رمان‌های پر حجم، از نویسندگان پر تلاش و مطرح ادبیات معاصر ایران محسوب می‌شود. او از داستان‌نویسان واقع‌گرای ایرانی است که به طور مستقیم و پیگیر رویدادهای دهه‌های سی تا شصت جامعه ایران را به حوزه داستان منتقل کرده است و تأثیر متقابل تاریخ و زندگی فردی را موضوع بنیادین آثار خود قرار داده است. در ایران، محمود را یکی از اعضای «مکتب جنوب» می‌شمارند. او بدون هیچ‌گرایشی واقعیت‌خشن زندگانی مردم جنوب را در افق تاریخی خود نشان داده است. انعکاس شمه‌ای از مبارزات مردمی در جریان ملی شدن صنعت نفت در گستره سرزمین عطشناک جنوب و تسلط انگلیسی‌ها بر چاه‌های نفت و همچنین، جریان‌های سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۱ برای خاتمه دادن به این استعمار، مضمون فراگیر اولین رمان او با عنوان «همسایه‌ها» (۱۳۵۷) است که مضامین دیگری چون تحلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی را در آن برهه زمانی در خود جای داده است.

حوادث داستان حدود سال ۱۳۳۰ از یک خانه دنگال در اهواز با هفت خانواده مستأجر نشین شروع می‌شود. فضا بندی خانه و شیوه زندگی ساده و عاری از پنهان کاری همسایه‌ها موجب شده است تا با نمونه‌هایی از اقشار مردم فرو دست جامعه، قهوه چپی، خرکچی، مکانیک، کارگران و... آشنا شویم. خالد، قهرمان داستان که گوینده حکایت نیز هست، نوجوان پانزده ساله‌ای است که به همراه پدر آهنگر و مادر مهربان و خواهر کوچک خود در این خانه زندگی می‌کند. او با چشمانی تیز بین و کنجکاو ناظر جزئیات حشر و نشر و روابط همسایگان با یکدیگر و همچنین، واقف بر اسراری است که خود در برخی از آن‌ها نقش دارد. او در آستانه بلوغ و جوشش غرایز، زندگی را گنگ و خواب زده می‌یابد؛ گرچه «بلور خانم» زن عشوه‌گر «امان آقا» ی قهوه چپی چشم او را به دنیای جسم گشود. اما اگر تصادفی روی نمی‌داد، شاید عواقب او نیز چیزی مشابه سایر همسایه‌ها درمی‌آمد. تصادفی ناشی از بازی بچگانه، قهرمان نوجوان رابه بازداشت کوتاهی در کلانتری می

اندازد و در آن جا از جانب زندانی ناشناس مأمور رساندن پیامی به مردی به نام «شفق» می‌گردد. نگاه و کلام دوستانه شفق چشم خالد را به روی عملیات مخفی می‌گشاید، بی آن‌که درک کاملی از اهداف گروه آنان داشته باشد. زمزمه های ملی شدن صنعت نفت اکنون علنی تر شده است. خالد عاقبت از جانب یکی از مأموران مخفی به نام «علی شیطان» به زندان می‌افتد. نیمه دوم رمان به وصف دوران بازداشت او در انفرادی، کابوس هایش، شیوه ها و شگردهای بازجوها و شکنجه گرها و زندگی در بند عمومی اختصاص دارد. خالد با زندانی شدن «پندار» هم گروه خود در عملیات پنهانی، به راه اندازی اعتصاب در زندان دعوت می‌شود. او با ترویج شعار وحدت در میان زندانیان موفق به جلب همراهی بیشتر آنان می‌گردد و سرانجام، در اعتراض به وضع آب و غذا در زندان اعتصاب شکل می‌گیرد که با کشته شدن یکی از هم سلولی هایش و تبعید پندار به ناکامی می‌انجامد و پس از پایان دوران زندان، خالد به خدمت سربازی فرستاده می‌شود و رمان در همین جا به شکلی نیمه تمام متوقف می‌شود.

۲-۲- خلاصه رمان "عمارت یعقوبیان" و زندگی نویسنده

علا اسوانی متولد ۱۹۵۷ دندان پزشک و یکی از شناخته شده ترین منتقدان رژیم حسنی مبارک است. وی در سال ۲۰۰۲ به خاطر انتشار رمان «عمارت یعقوبیان» به شهرت رسید. نویسنده در این رمان، از منظر شخصیت هایی که در یک عمارت خیالی در قاهره زندگی می‌کنند، ترسیمی از جامعه مصر و شکاف طبقاتی و برخی موضوعات دیگر چون هم جنس گرایی در مصر، فساد اداری و اخلاقی و خشونت در زندگی روزانه مصری ها به دست می‌دهد. این رمان، ماجرای شیوه های زیستی متفاوت برخی از طبقات مصری است که در حقیقت، آن را می‌توان داستان واقع گرایی شهری دانست که چشم انداز خود را در چارچوب یک آپارتمان محدود می‌کند. ساختمانی که فضای لازم را برای برجسته سازی طبقات مختلف یک شهر فراهم می‌آورد. قهرمان داستان به صورت فردی وجود ندارد؛ بلکه افراد محل تلاقی چند گروه و چند ایده و ارزش هستند.

شخصیت اوّل داستان "زکی بک دسوقی" از ثروتمندان قبل از انقلاب ۱۹۵۲ میلادی می باشد که زندگی اش را با لهو و خوشگذرانی با زنان می گذارند، اما به شدت متأثر از خواهرش "دولت" می باشد. او در نهایت، مجذوب محبت های فریبکارانه "بئینه" معشوقه "طه شاذلی" قرار می گیرد که پس از تن دادن به فاحشه گری برای به دست آوردن مخارج خانواده اش، با شخصی به نام "ملاک" برای تصرف اموال و باج گیری از زکی بک با او هم دستی می کند. اما سرانجام، اعتراف کرده و با نشان دادن محبت راستینش حاضر به ازدواج با زکی بک و ترک "طه شاذلی" می شود.

شخصیت اصلی دیگر "حاج محمد عزام" است که پس از چهل سال بی خبری با ثروتی کلان به مصر باز می گردد و تحت تاثیر غرایز شهوانی و اجتناب از گناه "سعاد جابر" را به ازدواج خود در می آورد. با این شرط که حق بچه دار شدن را ندارد، اما سرانجام این شرط شکسته می شود و حاج عزام او را مجبور به سقط جنین می کند و سپس، او را همچون دستمال چرکینی دور انداخته و طلاق می دهد.

"حاتم رشید" از افراد دیگر داستان است که نقش بارزی در روند داستان دارد. او روزنامه نگار معروف روزنامه "لوتر" به زبان فرانسه در قاهره است. مادر او فرانسوی و پدرش مصری و رئیس دانشکده حقوق در قاهره است. خانواده ای به شدت غیراخلاقی که پسرشان "حاتم" رابطه ای هم جنس بازانه با "عبد ربه" دارد و سرانجام، به دلیل اصرار بر ادامه این روابط به دست او کشته می شود.

اما قهرمان جوان داستان "طه شاذلی" پسر نگهبان ساختمان یعقوبیان با امید وارد شدن به دانشکده افسری در آزمون ورودی آن شرکت می کند؛ اما به دلیل شغل پدرش از آزمون رد می شود و با خشمی سرخورده، پس از ورود به دانشکده اقتصاد، به حزب اخوان المسلمین و تقالید کورکورانه از شخصی چون شیخ شاکر می پیوندد. اما در پایان موجبات قتل خود را فراهم می کند. قهرمانان و شخصیت ها در "عمارت یعقوبیان" بسیار

و گوناگونند که به صورت دو دسته ای از شخصیت های ستیز و تضاد الگوی منظمی را تشکیل داده اند و به صورت مرتبط در سرنوشت یکدیگر جریان را به پیش می برند.

۲-۳- جلوه های نابرابری اجتماعی و طبقاتی

دست کم از زمان ارسطو، وجود نابرابری های اجتماعی به عنوان مسأله اساسی جوامع بشری مطرح شده است که در جوامع صنعتی مهمترین وجه این نابرابری در شکل طبقه بندی اجتماعی است که مفهوم آن از کلیدی ترین و رایج ترین مفاهیم در زمینه جامعه شناسی طبقات می باشد. مفهومی که نخستین بار توسط اقتصاد دانان کلاسیک به ویژه ریکاردو و آدام اسمیت به کار گرفته شد و پس از آن بیشترین سهم در زمینه طبقه اجتماعی به کارل مارکس تعلق دارد. به اعتقاد مارکس تاریخ بشر تاریخ نبرد طبقاتی است که با شکل گیری انقلاب صنعتی و گسترش نظام سرمایه داری به اوج خود می رسد (کوزر، ۱۳۸۷: ۸۱). نظرات مارکس باعث شکل گیری جنبش انقلابی موسوم به سوسیالیست شد که در کشورهای بلوک شرق به شیوه جدیدی از حاکمیت سیاسی در برابر کشورهای سرمایه داری انجامید. پس از مارکس در مورد منشأ و علت وجود طبقات اجتماعی، چگونگی شکل گیری آنها و نابرابری های موجود آرا و نظریات گوناگونی چه از سوی عامه مردم و چه از سوی متفکران و اندیشمندان ارائه شده است. برای مثال، جامعه شناسان پیرو مکتب کارکرد گرایی نه تنها وجود طبقات مختلف و نابرابر های اجتماعی متعاقب آن را امری ناخوشایند تلقی نمی کنند، بلکه آنها را برای جامعه، دارای کارکرد مثبت می دانند (ریترز، ۱۳۸۴: ۱۹۸). به هر حال، بازتاب نظریات مختلف را می توان در دو رمان "همسایه ها" و "عمارت یعقوبیان" یافت. هرچند نابرابری طبقاتی بیش از همه تابعی از میزان شکاف در آمد بین طبقات است، اما این تنها متغیر آن نیست، به عبارت دیگر، نابرابری در نوع ارزش ها، هنجارها و حتی الگو های فکری طبقات نمود می یابد. به هر حال، نابرابری در قدرت، ثروت، جایگاه اجتماعی، ارزیابی و پاداش روانی به عنوان متغیرهای اختلاف طبقاتی پیامدهایی دارد که می توان آن را در چند مقوله اصلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی براساس متن دو رمان جا داد؛ مقوله هایی چون: تفکیک شدگی در دو

قشر سنتی و مدرنیسم، رواج انحرافات اخلاقی، نابرابری های جنسیتی، بحران های معیشتی، خلأهای عاطفی، روحی و روانی جامعه.

۲-۳-۱- نابرابری فقر و ثروت

توجه به طبقه «غنی و فقیر»، «دارا و نادار»، «دولت مند و درویش» و بالاخره، تقسیم جامعه براساس ثروت و مکنت به رده بندی «بالا و پایین و شاید متوسط» از دیر زمان تا به امروز مورد نظر نویسندگان قرار گرفته است. در روند دو داستان بازتاب این طبقه بندی را به صورت اختلاف موقعیت اجتماعی و اقتصادی می توان یافت.

محمود سیر تحولات روحی و جسمی قهرمان داستان "خالد" را در جغرافیایی کاملاً معقول و شایسته درانداخته است که با نفس اثر سنخیت تردید ناپذیری دارد. تقابل تلاش خالد تازه به کمال رسیده و خانواده اش که در فقر و فاقه به سر می برند، آن هم در سرزمین طلا خیز جنوب که تقابلی پراز زهرخند است (زنوزی جلالی، ۱۳۸۶: ۲۹). تقابلی که بارها باعث سرافکنندگی شده است. با وجود این که شناخت نویسنده از آدم های مرفه و با نفوذ نسبت به آدم های تهی دست کم تر است، اما در تصویرسازی و پرداختن به شخصیت های آنان موفق بوده، به گونه ای که با واقعیت زندگی مرفهان، مطابقت دارد.

«اتاق گرم است. بزرگ است و دلباز، با رنگ های که آرامش می بخشد. رنگ پرده ها و رنگ دیوارها و رنگ فرش ها، دلهره را از آدم می گیرد. مبل، خیلی نرم و راحت است» (همسایه ها، ۱۳۵۷: ۱۸۲). تفاوت طبقاتی که خالد میان خود و سیه چشم، دختری که قهرمان داستان را مفتون و شیفته خود ساخته، می بیند؛ باعث شرم و حقارت او می شود. خالد که در مقابل رفاه زندگی و اشرافیت دختر مبهوت مانده، چگونه حقیقت زندگی و واقعیت خانواده و طبقه خود را به او بگوید؟

«دختر می گوید: ... آدرس خونتون رو بدین. خجالت می کشم. خانه دنگال، دیواره های گلی، تنور صنم، الاغ های رحیم خرکچی، گاری عمو بندر، چارچرخه کرم، در شکسته و بست خورده، اتاق های خفه و تو سری خورده و سرتاسر کف حیاط - از باران چند روز

قبل- گل ولای تا قوزکک پا. باز، دروغ می گویم: من مسافرم...» (همان: ۱۸۳). و گاه نگاه- های فقیرانه و تحقیرآمیز افرادی چون علی شیطان است که باعث نفرت و خشم از مرفه‌ان مفت خور داستان می شود. حتی گه گاهی این نگاه‌ها و برخوردهای تحقیرآمیز از طرف علمای متدینی چون حاج شیخ علی صورت می گیرد.

«نگاهم می کند و حرف می زند. - فکر نمی کردم به جوون بی سر و بی پا که پائینای شهر زندگی می کنه، بتونه با به دختر مامانی رو هم بریزه. تا بنا گوش سرخ می شوم. نمی- توانم جلو خودم را بگیرم. از دهانم می پرد.- حرف دهنتمو بفهم. علی شیطان جا می خورد و لبخند از لبش می پرد. -چی گفتی؟... دندان‌هام رو هم فشرده می شود. رگ‌های گردنم تند می شود. خون خودم را می خورم...» (همان: ۲۲۸).

اسوانی نیز در مقام تماشاگر زندگی مردم ساده و قشر رنج‌دیده جامعه، تصویرگر واقعیت تلخ شکافی است که در رابطه با پول، قدرت و حیثیت به وجود آمده است. آنان که در بالای این شکاف قرار دارند، مایلند دستاورد و امتیاز خود را به هر طریق حفظ کنند و کسانی که در انتهای این شکاف قرار دارند، همواره در حالتی از خشم و سرافکنندگی به سر می برند؛ که شاهد آن را می توان به کثرت در متن داستان یافت.

«طه با خود عهد کرد با کسی احوال پرسى نکند؛ چرا که این احوال پرسى به معنای تبادل اطلاعات شخصی است و ممکن است در جمع عده‌ای از هم کلاسی هایش (که مثلاً با آن‌ها دخترانی هم هستند) یکی از آنان در مورد شغل پدرش پرسد، در این هنگام او چه بگوید؟.. سپس، اضطرابی عجیب سراپای وجودش را فراگرفت که اگر یکی از دانشجویان حاضر در سالن پسر یکی از ساکنان عمارت یعقوبیان باشد و ممکن است طه یک بار برای او پاکت سیگاری خریده یا ماشین او را شسته باشد. پیش خود فکر کرد که پسر ننگهبان در همان دانشکده هم‌کلاسی اوست، در این هنگام چه اتفاقی می افتد؟..» (عمارت یعقوبیان، ۲۰۱۱: ۱۴۴). اسوانی در انتقادات خود زبان توصیفات غیر مستقیم از واقعیت را برگزیده و از محکوم کردن مستقیم و چیره‌دستانه حاکمان خودداری کرده است. او همچون احمد

محمود با بیان شرمساری های قهرمان جوان - طه شاذلی - از فقر و محرومیت موجود، نشان دهنده این نابرابری است.

«همانگونه که روغن به سرعت از آب جدا می شود ولایه ای جدا گانه بالای آب تشکیل می دهد، دانشجویان ثروتمند از دانشجویان فقیر جدا شده و گروه های متعددی از فارغ التحصیلان مدرسه های زبان و صاحبان ماشین های آن چنانی و لباس های وارداتی و سیگارهای خارجی تشکیل شده و زیباترین دختران که بیشترشان آراسته و خوش لباس اند، جذب آنان می شوند. اما دانشجویان فقیر و بی بضاعت چون موش های ترسیده به هم می چسبند و با شرم و حیا و آهسته حرف می زنند...» (همان: ۱۴۵).

اساسی ترین عرصه تحلیل هنر محمود واسوانی در تصویرگری تضاد ثروت جوشان یعنی نفت در دو کشور پترودلاری با فقری شفاف و عینی است، تضادی کاملاً داستانی و در خورتأمل، که تصویر پلیدی از طمع کاری و بی اعتنائی ظالمانه افراد قرار گرفته در قشر بالا را نشان می دهد که اصولاً به غیر از پول به چیزی نمی اندیشند. نکته دیگری که در اینجا نظر خواننده را به خود جلب می کند، مسأله خودشناسی شخصیت های محروم در متن جامعه مرفهان است که اغلب باعث سرگردانی شخصیت در افکار خویش و دوری از دیگران می گردد.

۲-۳-۲- دوگانگی سنت و تجدد

برخورد کشورها و جوامع پیش استعماری با استعمار امپریالیسم غرب، برخورد دوگانه ای است. یعنی هم به تباهی نهادهای دینی، فرهنگی و اقتصادی می انجامد و هم انگیزه ای تعیین کننده برای رشد و قرار گرفتن در مدار مناسبت های اقتصاد جهانی را فراهم می آورد. این برخورد نشان دهنده تقابل دو ایدئولوژی سنت و مدرنیته می باشد.

احمد محمود در "همسایه ها" بسیار زیرکانه عقب ماندگی و سرگردانی جامعه ایرانی بین سنت و زوال و تجدیدی برنخاسته از بطن جامعه را در مقابل قدرت استعمار به نمایش می گذارد. او مردمی را توصیف می کند که آن قدر در فقر فرهنگی دست و پا می

زنند که استعمار به خوبی در تحمیل قدرت بر آنان موفق بوده است. از آنجایی که یکی از سنت های رایج طبقات پایین اعتقاد به نیروهای متافیزیک « ماورای طبیعی » است. محمود از شخصیت های سنتی با باورهایی سخت جزمی استفاده کرده است که بیش از این که روی به زمین داشته باشند، نظر به امور غیب دارند و راه افراط را پیش گرفته اند. افرادی چون "اوسا حداد" پدر خالد که ذهنیات و باورهایش در ذهنیت اطرافیانش و از جمله پسرش تأثیر گذاشته است.

«آدم اگر به دستورهای این کتاب - (اسرار قاسمی) - عمل کند، می تواند غیب شود. می تواند از سختیان (پوست بز دباغی شده) سرخ جبه ای درست کند که هر وقت رو دوش بندازدش، غیب شود. یا اگر دل و جرأت داشته باشد، با دستورهای این کتاب جن هم می تواند تسخیر کند» (همسایه ها، ۱۳۵۷: ۲۵).

شگرد محمود در بیان رابطه سنت و تجدّد استفاده بهینه از شخصیت فرعی رمانش، یعنی محمّد مکانیک است. او با خلق چنین شخصیتی که نماینده طبقه کارگر است، توانسته از زبان او باورهایش را درباره وجه سنتی مذهبی که سفت و سخت آمیخته با خرافه است، به شفاف ترین شکل بیان کند (زنوزی جلالی، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

«پدرم می گوید: اگه قلب آدم صاف باشه، به دستورهای این کتاب اسرار قاسمی می تونه دنیا را مسخر خودش کنه. محمّد مکانیک باور نمی کند... محمّد مکانیک به این حرفا اعتقاد نداره و می گوید: تو این دنیا هیچی نیس جز همین چیزا که می بینیم و باز می گوید: اسیر همین مزخرفاتیم که همیشه بدبختیم، که همیشه باید مته خر کار کنیم و کیفش رو دیگران بپرن، که همیشه تو سری خور و گشنه هستیم» (همسایه ها، ۱۳۵۷: ۲۷، ۲۸).

در عمارت یعقوبیان تضاد میان سنت و مدرنیست که نتیجه برخورد فرهنگ بومی و سنت ها با فرهنگ بیگانه ایجاد شده است، دیده می شود. به عقیده اسوانی تمام این بیماری های اجتماعی مانند شکاف وسیع طبقاتی، ناهنجاری های جنسی و فاحشه گری ها که ازین برنده فضیلت انسانی هستند، همه نتیجه اختلاف تمدنی موجود بین تطبیق ارزش های غربی و نادیده گرفتن ارزش های قدیمی می باشد. یکی از مشخص ترین حالت هایی

که در نتیجه این نابرابری در داستان آشکار می شود، همان تقلید کورکورانه از جوامع مدرن اروپایی است، بدون اینکه این جامعه پیشاپیش با انضباط و منطق جامعه مدرن آشنا شده باشد. سیر اتفاقات داستان نشان می دهد که عوامل این برخورد دو گروه هستند: یک دسته تروریست هایی که بازی دهنده افکار جوانانند و نمونه بارز این گروه "شیخ محمد شاکر" است، عامل انحراف فکری جوانانی چون "طه شاذلی"، و گروه دوم افرادی چون "دکتر حسن رشید" است. کسانی که به دنبال اجرای آموزه های جوامع مدرن غرب در مصر هستند، آموزه هایی که به غیراز انحرافات اخلاقی و التهابات عقده های جنسی و کج روی ها چیزی به دنبال نخواهد داشت.

«دکتر حسن رشید از سرشناسان قانون در مصر و جهان عرب بود که تحصیلات عالی خود را در غرب گذرانده و به کشور خود بازگشتند تا تمامی آنچه را آنجا فر گرفته اند، در دانشگاه مصر پیاده کنند، از نظر آنان «پیشرفت» و «غرب» با تمام جنبه های مثبت و منفی خود، دو کلمه تقریباً هم معنی بودند. همه آنها ارزش های بزرگ غرب دموکراسی و آزادی و عدالت و... را تقدیس می کردند و همچنین، به پشت کردن به میراث امت و تحقیر عادات و سنت ها معتقد بودند؛ به اعتبار اینکه زنجیر هایی هستند که ما را در عقب ماندگی نگه داشته و برماست که از آنها رها شویم تا نهضت تحقق یابد» (عمارت یعقوبیان، ۲۰۱۱: ۱۲۲).

۲-۳-۳- نابرابری جنسیتی (مردسالاری)

یکی از دغدغه های زنان امروزی به ویژه طبقه متوسط، بی توجهی به فردیت آنان است. به این معنی که فرهنگ مسلط به آنها اجازه نداده است تا استعدادهایشان را بروز دهند، معمولاً به زنان از دریچه نقش هایی نگریسته می شود که به عهده دارند؛ زنان همیشه یا دخترند یا همسر یا مادرو هیچ گاه به خود واقعی شان اهمیت داده نمی شود. به این ترتیب، همیشه بر چهره آنان نقابی قرار دارد که شخصیتشان در زیر آن پنهان شده است. البته گاهی این بی توجهی از جانب خود آنان پدید می آید که محصول تربیت در فرهنگ

مردسالارانه است. سیمون دوبوار معتقد است «قرار گرفتن زن در جایگاه ثانویه وسیله ای برای تبدیل او به «دیگری» در برابر مرد به عنوان «خود» است. وی با به کارگیری مفهوم آگزیستانسیالیست دیگری «زن» در برابر مرد معتقد است: مرد برهم زنده فردیت و آزادی زن است» (فرحناکیان، ۱۳۸۹: ۸).

در هر دو داستان عناصر تأثیرگذار مردان هستند و عناصر مغلوب و تأثیرپذیر زنان. دنیای بیرون در سلطه مردان است و این مردها هستند که با واقعیات بیرونی و بازتاب سیاسی - اجتماعی این واقعیات رو در رو می شوند و نقش مردانه و اسطوره ای برای حل مشکلات ایفا می کنند و در این میان، زنان در حاشیه، بستری از حوادث را به دست می گیرند. همسایه ها جامعه ای است که همه چیز را مردان تعیین می کنند و مرد سالاری حتی بر نگرش زنان سایه افکنده است تا جایی که زنان خودشان را با دنیای مردهای اطرافشان تطبیق می دهند.

« تشییع جنازه و عیادت مریض بر زن حرام است ...

- ولایت عامه، قضاوت و مشورت هم بر زن حرام است ...

- بوسیدن سنگ حجر، دویدن میان صفا و مروه و داخل شدن در خانه کعبه هم بر زن ها حرام است ...

هروقت با پدرم و مادرم جایی رفته ام ، همیشه مادرم پشت سرمان راه رفته است.

- مادر چرا این همه عقب می مونی؟

- زن همیشه می باد پشت سر مرد راه بره..... ما با آنها خیلی فرق داریم.

..... این رسم و رسومات ماس « (همسایه ها، ۱۳۵۷: ۹۸، ۹۹).

«این رسم و رسومات ماس» - تلقین پاره ای از همین گفته های مکرر آن قدر در ذهن زنان رمان اثر گذاشته که «حالت دافعه شان را پاک از دست داده اند و باور بسیاری از گفته های درست یا نادرست، برایشان به یک یقین و حتم تسلیم پذیر زنانه تبدیل شده است» (زنوزی جلالی، ۱۳۸۶: ۸۳). هر چند آنچه در دوره های گذشته یا حتی دهه های معاصر جامعه ایران شاهد آن هستیم، گویای این موارد هست، اما به شکل مطلق نبوده است و

گویایی احمد محمود تا حدی در بیان این نابرابری و رسومات، راه افراط را در پیش گرفته است.

در عمارت یعقوبیان ابتدا و انتهای شخصیت زن شبیه به هم است، بن بستنی که زنان مصری در قبال مرد با آن روبه رو هستند. بن بستنی از آداب و تعصبات نا به جای جامعه مردسالار که همه سدنی در برابر زن می سازد و از او موجودی مأیوس و تسلیم پذیر و به کمال نرسیده به تصویر می کشد. نمونه واضح این مثال شروط حاج عزام در ازدواج با سعاد و همچنین، رفتار مستبدانه اش در اجبار به سقط جنین او در زمان بارداری است. او با زن همچون بستن یک معامله مالی برخورد می کند و تنها منفعت و شرایط خود را در نظر می گیرد.

«حاج عزام همانند عادتش بر بستن معاملات، واضح و صریح و حرفش یکی بود. او بر اساس شروط زیر با سعاد جابر ازدواج کرد: - سعاد برای زندگی با او به قاهره برود و فرزند خردسالش را در اسکندریه نزد مادر بزرگش بگذارد و هرگاه شرایط میسر بود، به دیدنش برود. - ازدواج مخفی بماند و کاملاً روشن باشد که در صورت پی بردن حاجیه صالحه همسر اول حاج عزام به مسئله تجدید فراش وی، او به طلاق فوری سعاد ناچار خواهد بود. - مطلقاً میلی به بچه دار شدن ندارد... اگر سعاد باردار شود، این امر به معنای پایان یافتن هر چه سریعتر توافق بین آنان خواهد بود» (عمارت یعقوبیان، ۲۰۱۱: ۹۶-۹۷). زنان در این رمان منفعل و قربانی جامعه مرد سالار هستند و این انفعال به علت بی توجهی های تاریخی به زنان است و اندک اندک اینگونه منفعل نیستند، مانند: «دولت» خواهر زکی بک که در عین تأثیر بر دیگران به نوعی تأثیر زنانگی خویش را حفظ کرده است.

وضع زنان همسایه ها در مقایسه با وضع زنان عمارت یعقوبیان ناامید کننده تر است و در همسایه ها « اکثر شخصیت های زن به فسادهای پنهانی و روابط جنسی مخفیانه کشیده شده اند که در یک جمع بندی، تمامشان جز عددی اندک باقی نمی ماند و به قول قهرمان داستان گویا همه آنها یک جورایی «بود بودشان» می شود» (زنوزی جلالی، ۱۳۸۶: ۸۲). اما هر دو

نویسنده از رهیافت این واقعیت ها و انحرافات زنانه تلاش کرده اند نشان دهند که محرومیت زن از حقوق خود در جامعه مرد سالار نتیجه ای ندارد؛ جز تنزل زن از مرتبه عفت و شرافت و همچنین، بیدار شدن حس انزجار و نفرت که شخصیتی خنثی و متکی و وابسته به قدرت مالک خویش از او می سازد.

۳- نتیجه گیری

با وجود رخ دادن داستان ها در دو محیط فرهنگی متفاوت، تلاش احمد محمود و علا اسوانی بر آن بوده که با در پیش گرفتن سبک رئالیسم اجتماعی، کلی ترین و عمده ترین پیامدهای بحران نابرابری های اجتماعی و طبقاتی شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی و جنسیتی را در تجرید از مسایل زندگی فردی به تصویر بکشند و جدا از تفاوت های ناچیز، پیامدها و مشکلات مشترکی را روایت کنند. هر دو نویسنده در پاسخ به یافتن راهی برای نشان دادن امر نابرابری و بازتاب آن در زندگی شخصیت های متفاوت که هر کدام به نوعی نماینده قشر خاصی از اجتماع هستند، به یکسان نگری محسوسی دست یافته اند. اگر دو نویسنده خصوصیات عمده یک طبقه را در یک فرد یا یک خانواده جمع کرده اند، بدین خاطر است که خصوصیات نامجسم اجتماعی را به طرز بهتری زنده سازند. اما هر دو به نوعی در پیشنهاد کردن راه حلی برای ریشه کن کردن این خصوصیات ناکام مانده اند. با این که شرایط مکانی دو داستان یکسان نیست؛ ولی می توان به این نکته رسید که نابرابری اجتماعی در هر جامعه ای به طور غالب، پیامدهای چند وجهی مشترکی خواهد داشت.

یادداشت ها

۱- کارکردگرایی از جمله مکاتب جامعه شناسی است که به ذکر نظریاتی پرداخته است که حوزه فعالیت شان در پارادایم اثباتی قرار دارد. آنچه در این نظریات، مهم و کلیدی است، توجه به نظم و ثبات در جامعه است که اکثر نظریه پردازان کارکردگرایی بدان توجه داشته اند، مانند دورکیم که دین را در مطالعاتش به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی می داند که کارکرد آن همبستگی، انسجام و نظم است. کارکردگرایی شامل مفاهیم اساسی ای

چون: کارکرد، تعادل، نظم، ساخت، ضرورت کارکردی، تکامل اجتماعی، سطوح ساختی، محیط، ارزش‌ها، نظارت، کنترل، انسجام، انطباق‌پذیری، روابط سایبرنتیکی نظام‌ها، خاص‌گرایی و ... می‌باشد (اسکید مور، ۱۳۸۵: ۱۶۶).

فهرست منابع

- ۱- اسکید مور، ویلیام، (۱۳۸۵)، **تفکر نظری در جامعه‌شناسی**، جمعی از مترجمان، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۲- الاسوانی، علاء، (۲۰۱۱)، **عمارة یعقوبیان**، مصر، قاهره، الطبعة الرابعة، دارالشروق.
- ۳- تامين، مليون، (۱۳۸۸)، **جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، تهران: انتشارات توتیا.
- ۴- روح الامینی، محمود، (۱۳۷۵)، **نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات داستانی**، چاپ اول، تهران: نشر آگه.
- ۵- ریتزر، جورج، (۱۳۸۴)، **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۶- زونزی جلالی، فیروز، (۱۳۸۶)، **باران بر زمین سوخته**، چاپ اول، تهران: نشر تندیس.
- ۷- شگری، فدوی، (۱۳۸۶)، **واقع‌گرایی در ادبیات داستانی ایران**، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه.
- ۸- شگری، هشام و سید احمد موثقی، (۱۳۸۰)، **پدرسالاری جدید**، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.
- ۹- عسگری، عسگر، (۱۳۸۷)، **نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده**، چاپ اول، تهران: نشر فرزانه.
- ۱۰- فرحناکیان، مریم، (۱۳۸۹)، **بررسی افکار سیمون دوبوار در رمان "همه می‌میرند"**، چاپ اول، تهران: نشر داستان.

- ۱۱- کمالی، علی، (۱۳۸۸)، **مقدمه بر جامعه شناسی نابرابری های اجتماعی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲- کوزر، لوئیس، (۱۳۸۷)، **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی**، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۳- گلدمن، لوسین، (۱۳۷۱)، **جامعه شناسی ادبیات «دفاع از جامعه شناسی رمان»**، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ اول، تهران: نشر هوش و ابتکار.
- ۱۴- گنجی، اکبر، (۱۳۷۵)، **سنت، مدرنیته، پست مدرن**، چاپ اول، موسسه فرهنگی صراط.
- ۱۵- لوکاتش، جورج، (۲۰۰۶)، **دراسات فی الواقیة**، ترجمه د. نایف بلوز، الطبعة الرابعة، بیروت: مجد.
- ۱۶- محمود، احمد، (۱۳۵۷)، **همسایه ها**، چاپ چهارم، تهران: صحافی سپهر.
- ۱۷- ملک، حسن، (۱۳۸۳)، **جامعه شناسی قشربندی و نابرابری های اجتماعی**، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.